

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۲۷  
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۱۰

فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود  
سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۹

## نگاهی به راهبردهای اصولی سیاسی برای حکومت زمینه‌ساز ظهور، با بهره‌گیری از قرآن کریم

فرج الله قاسمی\*

### چکیده

نوشتار حاضر تلاشی است در جهت بررسی راهبردهای اصولی سیاسی برای حکومت زمینه‌ساز ظهور از منظر آیات قرآن کریم. مهم‌ترین مسئله‌ای که در این زمینه درباره حکومت زمینه‌ساز وجود دارد، چگونگی راهبردهای اصولی سیاسی و حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب است. چون شکل‌گیری حکومت زمینه‌ساز بر مبنای اعتقادات دینی و در مسیر تکاملی حرکت پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام است، راهبردهای مربوط به آن نیز در این راستا بر مبنای الگوی قرآنی استوار می‌شود که در این مقاله به آن‌ها اشاره شده است.

### واژگان کلیدی

راهبرد، حکومت زمینه‌ساز، قرآن، عدالت، آزادی، امنیت، امر به معروف و نهی از منکر، شورا، نفی سبیل، توان دفاعی.

## مقدمه

بدون تردید، یکی از بزرگ‌ترین تحولات در تاریخ جهان اسلام، وجود حکومت‌های اسلامی است که همانند هر حرکت و جنبش سیاسی - اجتماعی دیگر، در جهت پیشرفت و رسیدن به اهداف خود به تعیین راهبرد در عرصه‌های مختلف نیاز دارد. از این‌رو، با توجه به نقص جدی در این مورد و ضرورت رسیدن به سیاست‌هایی اندیشمندانه در راستای پیشرفت و تحول حکومت‌های اسلامی و حرکت در مسیر آرمان‌های اسلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام باید با بهره‌گیری از ارزش‌های اسلامی - قرآنی، راهبردهای سیاسی را در حکومت‌های زمینه‌ساز بررسی کرد.

در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، احکام الهی و قرآن، محور تمامی اندیشه‌ها، راهبردها و برنامه‌ریزی‌هاست و راهبردهای سیاسی در صورتی قابل‌پذیرش خواهند بود که با قرآن هماهنگ باشند. پس حکومت زمینه‌ساز ظهور آن حضرت نیز در مسیر تکاملی و ایده‌آل خود که از انبیای الهی شروع شده و در ادامه، به حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام رسیده است و به شکل تکامل یافته آن در حکومت حضرت مهدی علیه السلام می‌رسد، باید در ارائه راهبردها به قرآن کریم تأسی جوید.

در واقع، اقدام اساسی حضرت در بعد ارائه راهبردها، احیای قوانین اسلام، ارائه برداشت درست از آن‌ها و اجرای کامل این قوانین است. وجود یک قانون برتر - که آن هم از قرآن گرفته می‌شود - سبب رشد و پیشرفت جامعه جهانی می‌شود. آموزه‌های حیات‌بخش قرآنی در هر عصر و مکانی، توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف جوامع انسانی را دارد و با محور قرار دادن قرآن می‌توان سیاست‌های جدیدی اجتهاد کرد. پس محور قرار دادن «قرآن» یکی از پایه‌های تشکیل جامعه آرمانی مهدوی است که شکل ایده‌آل حکومت زمینه‌ساز به شمار می‌رود.

در بسیاری از روایات، سیره و روش مهدی علیه السلام همان سیره و مشی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام دانسته شده است. برای نمونه، در حدیثی می‌خوانیم:

يَسِيرُ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ يَعْمَلُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۷)

این رسالت با دولت مهدی علیه السلام به کمال می‌رسد و آن حضرت، مردمان را به سیرت و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله هدایت می‌کند و آن‌چه را خواست پیامبر خاتم بوده است، محقق می‌سازد.

بر این اساس، راهبردهای آن حضرت در حکومت جهانی خود، بر احیای آموزه‌های ناب اسلامی و دستورهای قرآنی و محور قرار دادن آن‌ها همراه با ارائه قوانین جدید و مناسب زمان خود بنا می‌شود. همه این قوانین جدید در راستای مبانی قرآنی تدوین می‌گردد و حکومتی که قصد زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت را دارد، باید در همین جهت راه پیماید. به عبارتی،

اساس راهبردهای حکومت زمینه‌ساز ظهور، از آیات قرآن استخراج می‌شود. حکومت منتظر نیز عضوی متأثر از الگوهای تجربه شده پیشینی حکومت نبوی و ائمه اطهار علیهم‌السلام به شمار می‌رود که به اصول اساسی معصومین علیهم‌السلام پای‌بند است و در راستای الگوی پسینی مهدوی حرکت می‌کند. (نک: شریف رضی، بی‌تا: خطبه ۱۳۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۱۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۸۴؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶، ۱۵۴) (بنگرید به شکل (۱ و ۲).

با وجود بازگشت همه‌جانبه و سراسری جهان اسلام در عصر جدید به آموزه‌های قرآن که مهم‌ترین منبع اندیشه‌ای نهضت‌های اصلاح‌گرایانه اسلامی تاریخ معاصر است، به نظر می‌رسد اندیشمندان مسلمان به بهره‌گیری از قرآن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی توجه جدی نکرده‌اند. در همین زمینه، به پرسش‌های مطرح شده در حوزه روش‌شناسی فهم قرآن کریم توجه نشده است که آیا قرآن در حوزه راهبردهای سیاسی - اجتماعی، آیاتی دارد یا خیر؟ در صورت وجود چنین آیاتی، آیا امکان بهره‌گیری از آن‌ها در حکومت زمینه‌ساز وجود دارد؟ آیا در مسائل سیاسی می‌توان به قرآن رجوع کرد؟

## مفروضات

این نوشتار با پیش‌فرض‌های زیر تدوین شده است:

۱. در فرآیند بررسی راهبردها، سیاست‌گذاری‌ها باید بر یک فکر و نظریه سیاسی خاص استوار باشد. به همین دلیل، پیش‌فرض اولیه در این نوشتار آن است که محور اساسی و نگرش حاکم بر عرصه‌های راهبرد در حکومت زمینه‌ساز، نگرشی دینی و قرآنی است. این مقاله تلاش دارد تا با بهره‌گیری از قرآن کریم، راهبردهای سیاسی در دولت زمینه‌ساز را بررسی کند.

نوشتار حاضر در روند بررسی راهبردهای سیاسی، از آیات قرآن کریم بهره خواهد گرفت. البته نه بدین معنا که تمام جزئیات مربوط به این حوزه در قرآن آمده است، بلکه چون قرآن، کتاب هدایت است: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲) و حوزه سیاست نیز با هدایت انسان مرتبط است، در قرآن از هر آنچه هدایت و سعادت دنیایی و اخروی انسان متوقف بر آن است، کوتاهی نشده است.

علامه طباطبایی در این زمینه می‌گوید:

در قرآن مجید نسبت به هر آنچه سعادت دنیایی و آخرتی انسان، متوقف بر معرفت آن است، کوتاهی نشده است. خدای تعالی در جای دیگر می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۷، ۸۱-۸۲)

۲. از جمله پیش‌فرض‌های این نوشتار، لزوم راهبردهای حکومت در راستای منافع ملت است. البته این مسئله لزوماً به معنای اجرای آن‌ها به دست حکومت و مداخله حکومت در امور دیگران

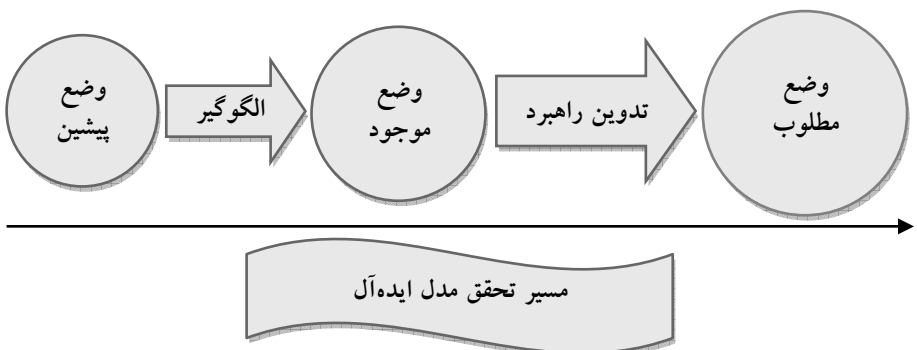
و نقش کنترلی و تصدی‌گری حکومت نیست، بلکه حکومت می‌تواند نقش نظارتی، حمایتی و پرورشی به مفهوم امکان وضع راهبرد و سیاست‌گذاری کلان با جنبه نظارتی و مدیریتی در زمینه‌های مختلف داشته باشد؛ چون سیاست‌های اجتماعی جامعه کنترل‌پذیر است و حکومت می‌تواند جامعه را در راستای اهداف تعیین شده هدایت کند.

## روش

چارچوب تحلیلی مناسب و مورد استفاده در نوشتار حاضر، الگوی «وضع پیشین، وضع موجود و وضع مطلوب» است. بدین ترتیب که در راستای کارآیی حکومت زمینه‌ساز، در صورت شناخت «چگونه بودن» عملکرد دولت می‌توان در مرحله بعد درباره «چگونه باید بودن» آن نظریه‌پردازی کرد. در این روش، عملکرد حکومت زمینه‌ساز و تصمیم‌گیران به دو مرحله وابسته به هم تقسیم می‌شود:

۱. مرحله شناخت و بررسی وضع موجود و مشکلات حکومت. در این مرحله، وضع موجود حکومت و مشکلات عمومی جامعه شناسایی و بررسی خواهد شد.

۲. مرحله ارائه راه‌حل‌ها و راهبردها در راستای حل مشکلات و رسیدن به وضع مطلوب با توجه به قرآن کریم. در این مرحله، پس از شناخت مشکل، در راستای حل مشکلات و رسیدن به مدل ایده‌آل، راه‌حل‌ها و راهبردها با پیروی از آیات قرآن کریم ارائه خواهد شد.



شکل ۱: مراحل روشی حکومت زمینه‌ساز

راهبردهای سیاسی در حکومت اسلامی زمینه‌ساز با بهره‌گیری از قرآن کریم، با توجه با این دو مرحله، بررسی می‌شود. مشکلات موجود در این حوزه راهبردی، مشکلات عمومی است. مشکل عمومی نیاز، محرومیت و نارضایتی‌هایی است که در جامعه موجود شناسایی شده و برای آن راه‌حل جست‌وجو می‌شود.

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، آزادی، امنیت، عدالت، برابری، رفاه، وحدت، شورا، شایسته‌سالاری و مردم‌سالاری را می‌توان از جمله مشکلات عمومی در جوامع امروزی مدعی زمینه‌سازی ظهور بیان کرد. این مشکلات برگرفته از مسئله اکولوژی یا بوم‌شناسی است که نشان می‌دهد آداب،

سنت‌ها، هنجارها و رویه‌های جوامع را باید به دقت شناسایی کرد. آن‌گاه با توجه به هویت مذهبی - برخاسته از قرآن - جوامع، طرح خاصی در جهت حل این مشکلات به صورت کلان و بلندمدت ارائه داد. بر اساس مبانی دینی، مرجعیت این سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌ها در عرصه‌های مختلف در عصر حاضر بر عهدهٔ حاکم جامعهٔ اسلامی یعنی «ولی فقیه» است. پس از شناخت مشکل، کارگزاران حکومتی به بررسی مشکل می‌پردازند و با شورا و مشورت با صاحب‌نظران و الگوگیری از تجربه‌های حکومت‌های پیش از خود می‌کوشند راهبردهایی برای حل مشکل ارائه کنند.

## مفهوم راهبرد

واژهٔ «راهبرد»<sup>۱</sup> - استراتژی - مشتق از کلمه یونانی «استراتگوس»<sup>۲</sup> به معنای ژنرال ارتش و مرکب از دو لغت «استراتوس»<sup>۳</sup> به معنای قشون و ارتش و «آگاس»<sup>۴</sup> به معنای راهنما و فرمانده است. در یونان قدیم، فنون یا نقشه‌هایی که یونانیان و رومیان برای کسب پیروزی در جنگ به کار می‌بردند «استراتژوم»<sup>۵</sup> نامیده می‌شد. آلن بیرو<sup>۶</sup> می‌گوید استراتژی در معنای خاص، هنر فرماندهی بر یک ارتش و به‌ویژه، بخشی از هنر نظامی است که در زمینهٔ عملیات بزرگ جنگی به کار گرفته می‌شود. در معنای مجازی، استراتژی، محاسبه و تنسیق مجموعه‌ای از تدارکات و اقداماتی است که در زمان طولانی جهت دستیابی به نتیجه‌ای غایی صورت می‌گیرد که در تقابل نیروهای رقیب جست‌وجو می‌شود. (بیرو، ۱۳۷۵: ۴۰۶ - ۴۰۷) راهبرد در ابتدا در معنای نظامی به کار می‌رفت، اما در گذر زمان، گسترهٔ کاربرد این مفهوم وسیع‌تر شد و به امور سیاسی و کشورداری سرایت کرد.

راهبرد از نظر مفهومی، تعریف‌های متعددی دارد. (نک: Palit, 1966: 33; اسنایدر، ۱۳۸۴: ۸) انجمن تحقیقات نظامی وابسته به وزارت دفاع امریکا نیز با گسترش دامنهٔ معنای این واژه، راهبرد را چنین تعریف کرد: «علم و فن توسعه و کاربرد قدرتهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت به هنگام صلح و جنگ به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست.» (فارس، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳) بدین ترتیب، مفهوم راهبرد از معنای صرفاً نظامی خود به «راهبرد ملی» تبدیل شد که امروزه نیز در مفهوم گسترده‌تری، «راهبرد جامع» یا «راهبرد کلان» نامیده می‌شود. راهبرد جامع، بیان‌گر فن، هنر یا

1. Strategy.
2. Strategus.
3. Stratus.
4. Agaugus.
5. Strategum.
6. Birou Alain.

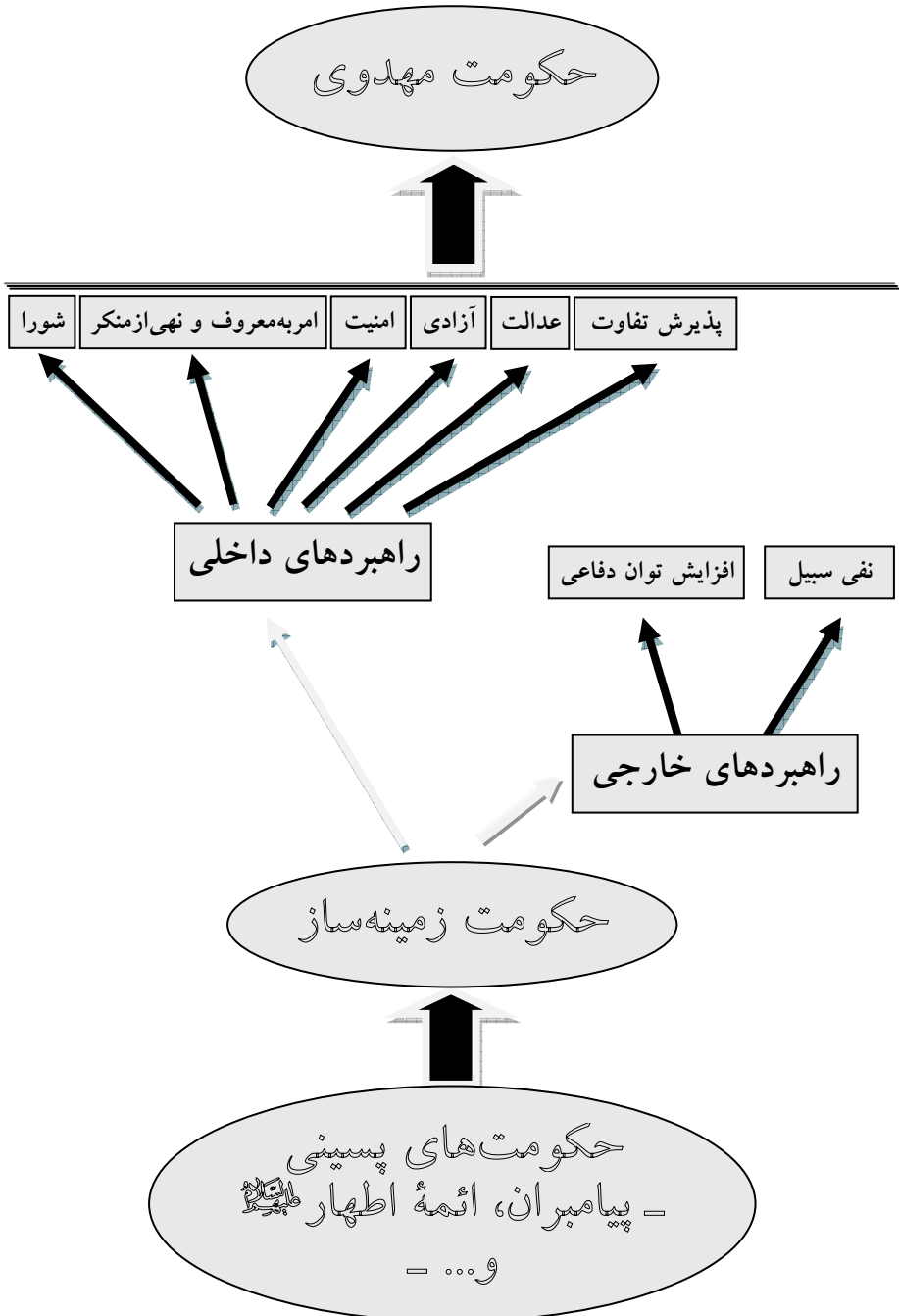
دانش تصمیم‌گیری‌های منظم و حساب شده از طریق اطلاعات در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی است. (روشندل، ۱۳۷۰: ۲۳۵ - ۲۴۲) راهبرد در امور سیاسی به معنای تعیین خطمشی کلی یک کشور یا سازمان یا حزب است که برنامه بلندمدت آن را مشخص می‌کند. در تعریف دیگر، راهبرد، «علم و فن توسعه و به کار بردن قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت، هنگام جنگ و صلح به منظور تأمین حداکثر حمایت از سیاست‌های ملی و افزایش احتمالات و نتایج مطلوب است. همچنین راهبرد به معنای هنر یا علم توسعه و به‌کارگیری بهتر امکانات در جهت نیل به هدف در مقابل سایر بازیگران» تعریف شده است. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۴: ۶۶۰)

بنابراین، با توجه به بررسی مفاهیم راهبرد، به‌طور کلی راهبرد را می‌توان چنین تعریف کرد: «مجموعه‌ای از برنامه‌ها و منابع و مهارت‌های به‌کارگیری آن‌ها در راستای رسیدن به اهداف مشخص و موفقیت از وضع موجود به وضع مطلوب. بر این اساس، هر حکومتی بر اساس منافع دنیوی و اخروی حکومت و ملت خود در راستای اهداف موردنظر، سیاست‌های راهبردی خود را تدوین می‌کند. حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور نیز راهبردهای سیاسی خود را بر اساس اهداف و منافع، تعیین و سازمان‌دهی می‌کنند. این حکومت‌ها با الگوگیری از تجربه‌های حکومت‌های پیامبران و امامان علیهم‌السلام و حکومت‌های اسلامی پیش از خود، در راستای زمینه‌سازی برای حکومت مطلوب امام مهدی علیه‌السلام که مصداق حکومت مطلوب تکامل‌یافته و آرمانی خود است، به تدوین استراتژی دست می‌زنند. (بنگرید به شکل ۱ و ۲) درباره مرجع صلاحیت‌دار برای سیاست‌گذاری راهبردی و هدایت خطمشی جامعه در موضوع ارائه راهبردهای سیاسی باید دانست از منظر قرآن کریم، این صلاحیت بعد از خداوند، در اختیار رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام و در زمان غیبت ولی‌عصر علیه‌السلام در اختیار حاکم مشروع است. (نک: خمینی، ۱۳۶۸: ۵۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ۴۱۳ - ۴۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۶۴؛ منتظری، ۱۴۱۱: ج ۱، ۶۸ - ۶۹)

### راهبردهای اصولی سیاسی با بهره‌گیری از قرآن (مسائل، مشکلات و راهبردها)

ترسیم راهبردها یکی از اهداف حکومت‌هاست که در جهت پیشبرد و بسط کارآمدی آن، ضروری به نظر می‌رسد. اصول<sup>۱</sup> و مفاهیم<sup>۲</sup> ارائه راهبرد، اندیشه‌های راهبردی را شکل می‌دهند که زیربنای سیاست‌گذاری در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به مثابه ارزش به شمار می‌روند. به عبارتی، شناخت این اصول، مفاهیم و مسائل، بخش بنیادین ارائه راهبردهاست که بیان‌گر ارزش‌ها و هنجارهای<sup>۳</sup> جامعه است و بر اساس مهم‌ترین

1. PRINSIPLES.
2. CONSEPTIONS.
3. Norms.



شکل ۲. الگوی پیشینی، حال و پسینی حکومت زمینه‌ساز

مشکلات مطرح و وضع موجود در جوامع ترسیم شده است. پس راهبردهای سیاسی به این امور محدود نمی‌شود. بررسی و ارائه راهبرد با مبانی قرآنی و فرهنگ انتظار سعی دارد این اصول و ارزش‌ها را در کنار هم در اولویت قرار دهد، نه این که یکی از آن‌ها را برگزیند، چنان که برخی از مکتب‌های سیاسی ممکن است اصل برابری را در اولویت قرار دهند و مکتبی دیگر بر اصل آزادی تأکید کند. برخی مسائل و اصول در راستای وضع مطلوب - حکومت امام مهدی (عج) - و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی - قرآنی از جمله مسائل عمومی در عرصه جوامع مدعی منتظر ظهور وجود دارد که آن‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

### ۱. پذیرش تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و احترام به حقوق دیگران در راستای وحدت ادیان و فرق اسلامی

گوناگونی فرهنگی، پدیده جدیدی نیست که به اجتماعات بشری معاصر اختصاص داشته باشد و وجود تنوع فرهنگی و تاریخی، عمری به قدمت تاریخ حیات جمعی انسان‌ها دارد. بدیهی است در این میان، اندیشه‌هایی توان ایفای نقشی فعال در تعامل با این وضعیت را خواهند داشت که از تمامی ظرفیت‌های موجود در عرصه اندیشه‌ورزی و مدیریت بهره ببرند و با آگاهی بدین عرصه وارد شوند. حکومت منتظر و زمینه‌ساز با استفاده از این ظرفیت‌ها به سمت وحدت گام برمی‌دارد. از جمله راهبردهای اساسی حکومت زمینه‌ساز، احترام به هویت‌های مختلف سرزمینی و پذیرش تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی بر اساس موعودگرایی و زمینه‌سازی است. حکومت زمینه‌ساز باید با به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی در راستای تحقق بخشیدن به یک زندگی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گام بردارد تا از آن طریق، زمینه برای هم‌بستگی انسانی در دولت اسلامی فراهم آید. در حکومت زمینه‌ساز مبتنی بر آیات قرآن نباید در برخورد با پیروان دیگر ادیان و فرهنگ‌های متفاوت، به مقدسات و چهره‌های مورد احترام آنان، بی‌احترامی صورت گیرد؛ چون چنین برخوردهایی به جای تفکر آزاد و انتخاب صحیح عقلانی موجب تنش، دشمنی و بدبینی خواهد شد.

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾. (انعام: ۱۰۸)

چنان‌که از بعضی روایات استفاده می‌شود، جمعی از مؤمنان بر اثر ناراحتی شدید از بت‌پرستی، گاهی بت‌های مشرکان را به باد ناسزا می‌گرفتند و به آن‌ها دشنام می‌دادند. قرآن صریحاً از این موضوع، نهی کرد و رعایت اصول ادب و عفت و نزاکت در بیان را حتی در برابر خرافاتی‌ترین و بدترین ادیان، لازم می‌شمرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۵، ۳۹۴)

عموم تعلیل که از جمله ﴿كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ﴾ فهمیده می‌شود، عموم نهی را افاده می‌کند؛ نهی از هر کلام زشتی نسبت به مقدسات دینی. پس کاربرد هر تعبیر ناروا و نازیبایی که



به تحریک و موضع‌گیری دیگران در برابر مقدسات اسلامی منجر شود، ممنوع است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۷، ۳۱۵ - ۳۱۶) تکیه بر نقاط اشتراک میان پیروان ادیان مختلف به‌ویژه ادیان آسمانی و ابراهیمی، همانند عقیده به یگانگی مبدأ هستی، معاد و زندگی اخروی موجب نزدیکی و اتحاد آنان می‌شود. پس دستورهای روشنی مبنی بر لزوم رعایت احترام در برخورد با دیگر فرهنگ‌ها و ادیان و نیز توجه به نقاط اشتراک میان آن‌ها وجود دارد. از طرفی، احترام به حقوق دیگران از منظر قرآن امری لازم‌الاجراست؛ چون او خلیفه خدا بر روی زمین و اشرف مخلوقات عالم است. قرآن کریم با وجود برتر دانستن کتاب آسمانی و دین اسلام، هرگونه انحصارطلبی و تخطئه پیروان ادیان دیگر را به دلیل انحصاری دانستن حقانیت عقیده خود و باطل دانستن دیگر شرایع از جمله شریعت اسلام، مردود می‌داند. به همین دلیل، در قرآن از تفکر انحصارطلبانه و تنگ‌نظری دینی و رضایت ندادن به زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران، به شدت نهی شده است. (نک: بقره: ۶۲، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۳۵؛ مائده: ۱۸، ۶۹؛ حج: ۱۷؛ ممتحنه: ۸) بر این اساس، پذیرش تنوع و تفاوت‌های فرهنگی و تحکیم پیوندها میان اجتماعات انسانی در ابعاد داخلی و خارجی از راهبردهای حکومت زمینه‌ساز است. این حکومت باید شرایطی را فراهم کند تا همه افراد و جوامع انسانی به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی کنند و بر اساس فرهنگ انتظار در جست‌وجوی آرامش اخلاقی باشند. تکیه بر مسئله انتظار و مهدویت می‌تواند در وحدت‌بخشی و ایجاد مسالمت بین ادیان و گروه‌های مختلف نقشی مؤثر ایفا کند. به عبارت دیگر، پذیرش گروه‌ها و اندیشه‌های متفاوت در دین اسلام و دیگر ادیان و دعوت به صلح در راستای وحدت‌بخشی همه ادیان جهان و برابری همه مردم، راهبردی اساسی در حکومت زمینه‌ساز است.

## ۲. عدالت‌محوری

این اصل جایگاه مهمی را در مباحث ارائه راهبردهای سیاسی به خود اختصاص داده است و از اصول مهم و جاودانه در نظام اسلامی به شمار می‌رود که قوام حقیقت حیات انسان بر آن مبتنی است:

بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ. (احسان، ۱۴۰۵: ج ۴، ۱۰۳)

همچنین کثرت آیات درباره عدل بیان‌گر اهمیت جایگاه این مفهوم در قرآن است. (نک: رحمن: ۷ - ۱۰؛ مائده: ۸؛ نساء: ۱۳۵؛ نحل: ۹۰) عدالت از مفاهیم مورد توجه رهبران فکری و مصلحان اجتماعی به‌ویژه حضرت مهدی علیه السلام است. به گواهی قرآن کریم، فلسفه بعثت انبیاء، ارسال رسل، انزال کتب و تشریح قوانین مختلف از سوی پروردگار متعال نیز در این راستا قرار دارد و انبیای عظام الهی که رهبران حقیقی انسان‌ها به سوی سعادت دنیا و آخرت هستند، ایجاد جامعه عادلانه را سرلوحه اهداف والایشان قرار داده‌اند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾. (حدید:

الگوی آرمانی و مطلوب حکومت‌های زمینه‌ساز یعنی حکومت حضرت مهدی علیه السلام نیز در همین راستاست و اوست که تحقق‌بخش فلسفه رسالت و اهداف پیامبران است. بدون تردید، عدالت‌گستری جهانی که در جامعهٔ امروزی، یک آرمانی در سطح خواست درونی جوامع بشری تلقی می‌شود، روزی در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در شکل کامل آن به عینیت خواهد رسید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا. (طوسی، ۱۴۱: ۱۷۸)

به همین دلیل، حکومت‌های زمینه‌ساز باید دغدغهٔ اصلی خود را برپایی این اصل مهم قرار دهند و عدالت را در سطح جوامع بشری در جنبه‌های فردی و اجتماعی بگسترانند. به‌طور کلی، ارائهٔ راهبرد بر اساس عدالت، ابزاری است که با آن می‌توان به جامعه‌ای عادلانه‌تر دست یافت. زیبایی یک تابلوی زیبا یا یک انسان زیبا و یک منظرهٔ زیبا حاصل این است که هر چیزی سر جای خودش قرار دارد. عدالت به همین معناست که هر چیزی به بهترین صورت سر جای خود قرار گیرد. هر قدر هماهنگی‌ها بیشتر باشند، تناسب، تقارن و توازن، بیش‌تر است. نقطهٔ مقابل آن نیز برهم خوردن تناسب و سزاواری‌هاست. پس عدالت را نباید به تساوی، برابری مطلق و نفی هر گونه تبعیض معنا کرد؛ زیرا این معنا ایجاب می‌کند که هیچ استحقاقی رعایت نشود و به همه به یک چشم نظر شود و این عدالت عین ظلم است.

در قرآن کریم، آیات بسیاری بر برقراری عدالت در جامعه تأکید می‌کنند و استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از اهداف اساسی و فلسفهٔ بعثت انبیا می‌دانند. از جمله آیاتی که به‌طور کلی در سیاست‌گذاری در عرصهٔ اجتماع در برقراری عدالت از آن می‌توان یاد کرد، آیهٔ ۹۰ سورهٔ نحل است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾

علامه طباطبایی در ذیل این آیه ضمن اشاره به معانی و مصادیق عدالت، آشکارا بر اهمیت عدالت اجتماعی پای می‌فشارد.

به ارائهٔ راهبردهای سیاسی بر مبنای عدالت در قرآن از جنبه‌های مختلف توجه شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. حکومت‌های زمینه‌ساز باید با الگوگیری از آیات قرآن، حکومت معصومین علیهم السلام و حکومت آرمانی خود برای بسترسازی لازم در این زمینه کوشا باشند. دغدغهٔ این پرچم‌داران، آماده‌سازی شرایط ظهور با به‌کارگیری راهبرد عدالت‌محوری در زمینه‌های مختلف است که اکنون برمی‌شماریم:

### الف) عدالت در قضاوت و داوری

از جمله عرصه‌هایی که از آیات قرآن در راستای این راهبرد می‌توان استفاده کرد، عدالت در قضاوت و داوری است که حکومت زمینه‌ساز ظهور به عنوان یک جامعهٔ اسلامی

به آن نیازمند است. در آیاتی از قرآن کریم، مردم و انبیای الهی به داوری عادلانه دعوت شده‌اند، مانند:

﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ، وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا الْحِسَابَ﴾  
(ص: ۲۶)

با آمدن «فاء» بر سر جمله «فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»، حکم به حق کردن بین مردم، نتیجه و خلافت خداوند، فرع آن قرار داده شده است.

همچنین در روایتی داریم که حضرت مهدی علیه السلام همانند داوود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله به حق و عدل حکم خواهد کرد:

حَكْمُ بَيْنِ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله; (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۸)

امام زمان علیه السلام در میان مردم چونان داوود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله حکم و قضاوت خواهد کرد.

در آیه دیگری می‌خوانیم:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾. (نساء: ۵۸)

بنابراین آیه، خداوند به مسلمانان فرمان داده است هنگامی که میان مردم قضاوت و حکومت می‌کنند، از روی عدالت حکم کنند. همچنین در آیه دیگری آمده است:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾. (یونس: ۴۷)

وقتی پیامبر هر امتی به سوی آن امت آمد و رسالت الهی را به آنان ابلاغ کرد، در آن زمان، خدای تعالی بین آنان به حق و عدل قضاوت می‌کند، بدون این که بر آنان ستم روا بدارد.

### ب) عدالت در برخورد با گناه کاران و دشمنان

از موارد دیگر در اجرای راهبرد عدالت در برخورد با مردم در حکومت‌های زمینه‌ساز، اجرای عدالت حتی در برخورد با گناه کاران و دشمنان است. رعایت این اصل به زندگی اجتماعی مسلمانان محدود نمی‌شود؛ چون خداوند به رسولش می‌فرماید که در برابر اهل کتاب نیز از مرز عدالت خارج نشود و هنگام داوری میان یهودیان و ترسایان با عدالت داوری کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾. (مانده: ۸)

﴿سَمَاعُونَ لَلْكَذِبِ أَكَاوُنَ لِّلسُّخْتِ فَإِن جَاوَزَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَصْرِوْكَ شَيْئًا وَإِن حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾  
(مانده: ۴۲)

در این آیات، خداوند حتی در زمان دشمنی با دیگران که امکان انحراف و ظلم به دشمن وجود دارد، می‌فرماید دشمنی با اشخاص و اقوام، شما را به انحراف از حق نکشاند. پس به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است. بنابراین، دشمنی و بی‌دینی هرگز نمی‌تواند توجیه‌گر ظلم و بی‌عدالتی مسلمانان بر دیگران باشد. با توجه با این آیه، به طریق اولی، با افراد مسلمانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند و با افکار و عقاید ما هماهنگ نیستند، باید با عدالت رفتار شود. البته این نکته را نیز نباید فراموش کرد که برخورد مسالمت‌آمیز با منحرفان در اجتماع در ابتدا با روشن‌گری و افشای بدفهمی آن‌هاست، ولی زمانی که به ناامن کردن جامعه و توطئه علیه حکومت اسلامی دست یازیدند، وظیفه حکومت نیز مقابله و طرد آن‌هاست. برای نمونه، علی علیه السلام تا وقتی که خوارج به ناامنی و کشتن مسلمانان نپرداختند، با آن‌ها به مدارا برخورد کرد. اختلافات مذهبی با نظام توحیدی جهانی در حکومت مهدوی چندان هماهنگی ندارد و از برنامه‌های اولیه آن حضرت، اتحاد صفوف در سایه توحید است. با این حال، تردیدی نیست که برگزیدن توحید در حکومت مهدوی همانند حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجباری نیست؛ چون پذیرش اجباری توحید با منطبق قرآن - ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ - و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که امام مهدی علیه السلام بر اساس آن عمل می‌کند، سازگاری ندارد. با ابلاغ اسلام واقعی به وسیله حضرت محمد صلی الله علیه و آله به تمامی مردم و پذیرش آن از سوی اکثریت قاطع مردم جهان، وحدت ادیان عملی می‌شود. البته شکی نیست که در عصر مهدوی، اقلیتی سالم از ادیان دیگر نیز وجود دارد که بر اساس آن چه در روایتی گذشت، امام با آنان طبق دین خودشان عمل خواهد کرد. این مسئله با آزادی اراده، اختیار و عدم اجباری نیز که در قرآن آمده است، مطابقت دارد. بر همین اساس، حکومت‌های زمینه‌ساز باید از این اصل پیروی کنند.

### ج) عدالت در گفتار

از دیگر موارد ارائه راهبرد سیاسی اجرای عدالت، عدالت در گفتار است که از ضروریات جوامع امروزی به شمار می‌رود:

﴿وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا﴾. (انعام: ۱۵۲)

عدالت در گفتار موجب همبستگی میان مردم و مسئولان حکومت و بی‌توجهی به آن موجب تفرقه می‌شود. دنیای ارتباطات امروز که مبتنی بر قول و گفتار است، ضرورت سیاست‌گذاری راهبردی عادلانه را در این عرصه نشان می‌دهد. بر این اساس، در برخورد با دیگران باید به عدالت سخن گفت.

در برخی آیات قرآن بر گفتار و رفتار حق تأکید شده است که مراد از حق همان عدل است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۷، ۱۹۴) برای نمونه گفته شده است: ﴿وَقَضَىٰ يُبَيِّنُهُم بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يَظْلُمُونَ﴾. (غافر: ۲۰) یا ﴿وَ اللَّهُ يُقْضَىٰ بِالْحَقِّ﴾. (زمر: ۶۹)

## د) عدالت اقتصادی

یکی دیگر از شاخصه‌های اساسی عدل در دنیای معاصر که از راهبردهای برجسته حضرت مهدی علیه السلام در حکومت جهانی ایشان به شمار می‌رود و حکومت‌های زمینه‌ساز برای آماده‌سازی شرایط ظهور باید به عنوان راهبرد از آن استفاده کنند، عدالت اقتصادی است. ایشان با رسالت قرآنی و عادلانه خود و با استفاده درست از منابع بالقوه زمین، عدالت اقتصادی را برقرار می‌کند. در حدیثی از ابوسعید خدری چنین آمده است:

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أُبَشِّرُكُمْ بِالْمُهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ يَتَّقِي الْمَالَ صِحَاحًا. فَقَالَ رَجُلٌ: مَا صِحَاحًا؟ قَالَ: بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَيَمَلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدًا ﷺ غِنَى وَيَسْعَهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ: مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ! فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۹۲)

شما را به ظهور مهدی علیه السلام بشارت می‌دهم؛ زمین را پر از عدالت می‌کند همان‌گونه که از جور و ستم پر شده است. ساکنان آسمان‌ها و ساکنان زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را به‌طور صحیح تقسیم می‌کند. کسی پرسید: معنی تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به‌طور مساوی در میان مردم! [سپس فرمود:] و دل‌های پیروان محمد ﷺ را پر از بی‌نیازی می‌کند و عدالتش، همه را فرا می‌گیرد؛ تا آن‌جا که دستور می‌دهد کسی با صدای بلند صدا زند: هر کس نیاز مالی دارد، برخیزد. هیچ‌کس جز یک نفر بر نمی‌خیزد.

در ذیل حدیث می‌خوانیم که امام دستور می‌دهد مال قابل ملاحظه‌ای به او بدهند، اما او به زودی بازمی‌گردد و پشیمان می‌شود که چرا آزمند و حریص بوده است. در روایتی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

...يَتَّقِي الْمَالَ بِالسَّوِيَّةِ. (همو: ۸۴)

در این زمینه نیز روایات زیادی وجود دارد. ثروت، زندگی، رفاه و به‌طور کلی، اقتصاد برای همه به‌طور عادلانه برقرار می‌شود. منظور از تقسیم عادلانه و مساوی اموال این نیست که حضرت، تلاش و اموال شخصی افراد را نادیده بگیرد؛ چون اسلامی که مهدی علیه السلام مروج آن است، برای کار، تلاش، مالکیت فردی و اموال خصوصی مردم احترام قائل شده است. این تقسیم مساوی یا به معنای تساوی و برابری در اموال عمومی و بیت‌المال سرشار و فراوانی است که در اختیار امام هست یا به معنای برابری امتیازات در شرایط مساوی است. معقول نیست که امام علیه السلام دارایی‌های مردم را به صورت تساوی میان همه تقسیم کند. قاعدتاً حقوق و مزد افراد بر اساس استحقاق و شایستگی‌های افراد است و تساوی در این‌جا ظلم است.

آن حضرت در این عدالت اقتصادی، تمام مناسبات ناسالم اقتصادی را محو می‌کند. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمًا اضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ. (عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۷، ۲۲۲)

زمانی که قائم ما قیام کند، قطایع از بین می‌رود، به گونه‌ای که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.

به این ترتیب، زمین‌هایی که زمام‌داران و حکام جور به مالکیت خود درآورده یا واگذار کرده‌اند و در حقیقت، متعلق به امام علیه السلام است، در جایگاه خود قرار می‌گیرد. استثمار و استعمار پایان می‌پذیرد و عدالت مهدوی حکم‌فرما می‌شود.

در عدالت اقتصادی بر مبنای قرآن، هر کس مالک تلاش اقتصادی خویش است: ﴿وَأَنْ كَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِذَا مَا سَعَى﴾. (نجم: ۳۹) پس سرمایه و ثروت جامعه نباید در دست ثروتمندان باشد: ﴿... كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...﴾. (حشر: ۷)

بخشی از سرمایه حکومت و دیگر مسلمانان باید به افراد محروم و نیازمند جامعه اختصاص یابد: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ، لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾. (معارج: ۲۴ - ۲۵)

بر این اساس، هرچند امکان رسیدن به چنین فضای عادلانه‌ای جز در حکومت مهدی علیه السلام میسر نیست، حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور باید در چنین مسیری حرکت کنند و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم آورند.

### ۳. آزادی عقیده، اندیشه و بیان و تحمیل نکردن آن‌ها بر مردم

آزادی از دیگر مؤلفه‌ها در عرصه راهبردهای سیاسی است که در جوامع ماقبل ظهور جایگاه اساسی دارد و حکومت‌های زمینه‌ساز در راستای زمینه‌سازی برای تحقق حکومت مهدوی و الگوی آرمانی باید آن را به عنوان راهبرد در نظر بگیرند.

اگر انسان‌ها ناگزیر باشند در زندگی سیاسی و اجتماعی خود آن‌چه را به آنان القا می‌شود انجام دهند، نمی‌توانند به زوایای وجود انسانی خود دسترسی پیدا کنند و از مسیر تکامل بازمی‌مانند. پس برای رسیدن به این مهم، انسان‌ها باید آزاد باشند و از آزادی برخوردار شوند. در اصل این مسئله معمولاً اجماع نظری بین اندیشمندان وجود دارد، ولی مشکل از آن‌جا شروع می‌شود که چه کسی یا کسانی مفهوم آزادی را بیان کنند، یا بر چه اساسی آزادی محدود شود؟ برای جلوگیری از این مشکلات که در جوامع امروزمین، شاهد آن هستیم، باید به سراغ قرآن کریم برویم و راه‌حل را از این منبع آسمانی بجوییم.

آزادی برای بشر امری مطلوب و پسندیده است، اما نه در معنای گسترده آن، که رهایی از هر گونه قید و بند باشد که خود، نفی‌کننده آزادی است. آزادی در اسلام نابی که مهدی علیه السلام برپاکننده آن خواهد بود، آزادی از هر گونه بردگی و بندگی غیرخدا و رهایی از قید و بندهای بشری است. برای آزادی، اقسامی متصور است که در این بحث بر نوع حقوقی و سیاسی آن تمرکز می‌کنیم.

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم به اجباری نبودن هدایت و ایمان اشاره فرموده است. به طور مسلم در حکومت مهدی علیه السلام نیز به آن عمل خواهد شد؛ چون سیره حکومتی ایشان بر اساس قرآن خواهد بود:

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾. (انعام: ۱۰۷)

﴿قُلْ لِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾. (انعام: ۱۳۹)

﴿لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا﴾. (رعد: ۳۱)

﴿وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾. (نحل: ۹)

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا﴾. (يونس: ۹۹)

بر این اساس، الگوی آرمانی حکومت مهدوی که به منظور هدایت و تکامل مردم تشکیل می‌شود و حکومت‌های زمینه‌ساز نیز که شرایط را برای ظهور فراهم می‌کنند، باید از این اصل پیروی کنند و با الزام و اجبار، خود را بر مردم تحمیل نکنند.

### الف) آزادی عقیده

یکی از اقسام آزادی و راهبردهای سیاسی که در حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور می‌توان با استناد به قرآن در پیش گرفت، بحث عقیده است. آیا می‌توان دیگران را به پذیرش عقیده‌ای خاص مجبور کرد؟ یا این‌که انسان‌ها در پذیرش عقیده آزادند؟ گفتمان حکومت منتظر و زمینه‌ساز ظهور، راهبرد تحمیل نکردن عقیده و دین الهی بر مردم را پیشه خود می‌سازد.

به فرموده قرآن کریم، هر کس در عقیده و دین‌داری خود آزاد است و هیچ کس را نمی‌توان به پذیرش دین یا مذهب خاصی مجبور کرد و اکراه و اجبار در عقاید راهی ندارد؛ چون: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾. (بقره: ۲۵۶) این عدم اجبار ممکن است به دلیل تعلیلی باشد که در جمله بعد آمده است: ﴿قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾. بدین معنا که در امور مهمی که خوبی و بدی و خیر و شر آن‌ها آشکار است و حتی آثار منفی و آثار خیرشان هم معلوم است، به اکراه نیازی نخواهد بود، بلکه خود انسان، یکی از دو طرف خیر و شر را انتخاب می‌کند و عاقبت آن (چه خوب و چه بد) را هم می‌پذیرد و دین و اعتقادات از این قبیل امور است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۳۴۳) شاید هم به دلیل فرصت اختیاری است که خداوند بر اساس برهان‌های حق و باطل به انسان اعطا کرده است. (فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۵، ۴۶)

البته این آزادی بدان معنا نیست که نتایج اعتقادی هر دو طریق (دین‌داری و بی‌دینی) نیز یکسان باشد. درست است که خداوند، انسان را از تکوینی آزاد آفریده است، اما هرگز نفرموده که نتیجه هر دو طریق (ایمان و کفر) واحد است و او را به یک مقصد رهنمون می‌سازند. اگر آزادی و اختیار امری تکوینی است، ترتب آثار آن نیز چنین است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۷۵)

«از منظر اسلام، آزادی عقیده، لجام‌گسیخته نیست و حدّ این‌چنین آزادی در مرحله عمل، نقض مصالح جامعه است. علی‌السلام در مواجهه با خوارچ تا زمانی که اقداماتشان جنبه براندازانه پیدا نکرد، در منتهی درجه آزادی و دموکراسی رفتار کرد... زندانشان نکرد و شلاقشان نزد و حتی سهمیه آنان را قطع نکرد... آن‌ها در همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت، خود و اصحابش با عقیده آزاد با آنان روبه‌رو می‌شدند. شاید این مقدار آزادی در دنیا بی‌سابقه باشد که حکومتی با مخالفان خود تا این درجه با دموکراسی رفتار کرده باشد.» (مطهری، ۱۳۴۹: ۱۴۳)

پس «هنگامی که آن فتنه‌انگیزان عملاً به مبارزه با او برخاستند، پس از یأس کامل از تأثیر نصایح خود و یارانش، با آنان وارد جنگ شد و چشم فتنه را کور کرد.» (شریف‌رضی، بی‌تا: خطبه‌های ۵۸، ۶۰ و ۹۳)

بر این اساس، در حکومت‌های اسلامی زمینه‌ساز که بر مبنای سیره و روش قرآن و الگوی آرمانی خود تشکیل می‌شوند، هر گونه تحمیل در این زمینه، ممنوع است و نمی‌توان دیگری را به جرم داشتن عقیده مخالف، محکوم کرد. البته و با وجود آزادی اراده و عدم اجبار در دین نمی‌توان وجود اقلیت‌های سالم از پیروان ادیان آسمانی دیگر را انکار کرد. البته ذکر این مسئله موجب نمی‌شود که حکومت زمینه‌ساز از تلاش جهت رشد و گسترش اعتقادات و اخلاق الهی کوتاهی کند، بلکه باید در جهت اطاعت الهی و دوری از طاغوت همت گمارد. (نک: نحل: ۳۶؛ جمعه: ۲)

### ب) آزادی اندیشه

آیا مردم در جوامع امروزی از آزادی اندیشه برخوردارند؟ آیا در سیاست‌گذاری راهبردی در این حوزه به آیات قرآن می‌توان استناد کرد؟

قرآن کریم در موارد بسیاری، مردم را به تفکر و تعقل فرا خوانده و در مواردی نیز بر استماع اقوال و انتخاب بهترین آن‌ها تأکید کرده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ». (ص: ۲۹)

هدف از نزول قرآن این بود که آیاتش، سرچشمه اندیشه و مایه بیداری وجدان‌ها شود. در جای دیگری می‌فرماید:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾. (محمد: ۲۴)

بر دل‌های آنان که اهل تدبّر و اندیشه نیستند یا برای بستن مسیر آزادی اندیشه تلاش می‌کنند، قفل نهاده شده است. در این‌جا نیز هدف از نزول قرآن را تدبّر و اندیشه می‌داند. خداوند متعال، مردم را به فهم و تدبّر دعوت کرده است تا فکر و شریعت قرآن برای مردم در زندگی آشکار شود.



به علاوه، قرآن کریم همراه با بیان مسائل عمیق اعتقادی، اشکال‌های و شبهه‌هایی را طرح می‌کند تا مخاطب خود را به اندیشه وا دارد. مثلاً هنگام سخن گفتن از معاد و قیامت، شبهه‌های منکران معاد را نیز بیان می‌کند که با نگاه انکارآمیز، هستی خود را در دنیا منحصر می‌دانستند و هلاکت را به طبیعت نسبت می‌دادند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۴۸۴):

﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾. (جاثیه: ۲۴)

با توجه به این آیات و آیات دیگر که انسان‌ها را به آزادی در تعمق، تفکر و اندیشه فرا خوانده است، قرآن کریم نمی‌تواند با آزادی اندیشه، مخالف باشد. در حکومت‌های زمینه‌ساز نیز با استناد به این آیات می‌توان در سیاست‌گذاری راهبردی در حوزه اندیشه از آن‌ها بهره برد. سیاست‌گذاران در حکومت‌های زمینه‌ساز باید با ایجاد فضای باز فکری، عرصه را برای اقشار و فهم‌های مختلف آزاد بگذارند و فهم از دین و مسائل اجتماعی سیاسی اسلام را به فکر و فهم خاصی محدود نسازند؛ چون محدود کردن اندیشه، خسارت‌های جبران‌ناپذیری خواهد داشت.

### ج) آزادی بیان

یکی از مواردی که در راهبردهای سیاسی حکومت‌های زمینه‌ساز با استناد به قرآن از آن می‌توان بهره گرفت، آزادی بیان است که در امتداد آزادی عقیده و اندیشه قرار دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾. (زمر: ۱۷ - ۱۸)

این آیه ضمن بیان استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و تجربه‌های دیگر افراد و کشورها، بر آزادی انسان‌ها در استماع هر گونه کلام و قول و بیان تصریح دارد تا از میان کلام و قول نیکو یا غیرنیکو (اقوال مختلف)، بهترین آن‌ها را برگزینند. این آیه در تجویز آزادی بیان و قلم صراحت دارد؛ چون وجود امکان‌گزینش مسلمانان از میان افکار و عقاید مختلف، خود، دال بر آزادی بیان و قلم است. البته این که قول احسن و نیکو چیست، در جای دیگری باید بدان پرداخت، اما محل بحث این است که انسان‌ها آزادند هر چیزی را بشنوند. البته نه آن گونه که هر مطلبی را به صرف شنیدن و خواندن باور کنند و بدون استنباط و تشخیص درست از غلط به زودباوری دچار شوند یا بر اثر پیروی از هوای نفس، هر سخنی را به صرف شنیدن، بدون تفکر و تدبیر رد کنند. با وجود این آیه، امکان شنیدن قول‌ها و سخنان مختلف برای افراد پذیرفته شده است و باید سخنان و اقوال مختلفی باشد که افراد بتوانند قول احسن را از میان آن‌ها انتخاب کنند.

از جمله آیات دیگری که برای تبیین جایگاه آزادی بیان در حکومت زمینه‌ساز به آن می‌توان استناد کرد، آیه ﴿وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ﴾ (یس: ۲۰) است. در این آیه، همین که مرد ناشناسی از نقاط دوردست شهر به میان کافران بیاید و توان این را داشته باشد که برخلاف نظر آنان سخن بگوید، می‌تواند دلیل بر این باشد که قرآن کریم به اهتمام در

این مسئله توجه کرده است. هرچند کافران این مسئله را نپذیرفتند و آن مرد را کشتند و به او گفته شد که وارد بهشت شو: «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ»، ولی صرف وجود این مسئله و رد نشدن آن در قرآن، دلیل بر پذیرش اظهار سخن مخالف در قرآن است.

به طور کلی، از این آیه‌ها می‌توان در سیاست‌گذاری راهبردی در مسئله آزادی بیان بهره برد که از اصول ضروری در جوامع مختلف به شمار می‌رود. احترام گذاشتن به عقاید، اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف باید به عنوان یک راهبرد سیاسی در حکومت زمینه‌ساز مطرح شود و نباید این امکان را در حکومت‌های زمینه‌ساز از مردم سلب کرد. البته باید دانست آزادی بیان مورد نظر آیات قرآن، به صورت مطلق نیست؛ چون در قرآن نیز ممنوعیت‌هایی در مورد اقوال و بیان‌هایی از جمله غیبت، تهمت، دروغ و... ذکر شده است.

#### ۴. ایجاد امنیت در عرصه‌های مختلف

بدون تردید، یکی از نیازها و آرزوهای برجسته بشر از دیرباز تا کنون که منشأ دگرگونی‌های فراوانی شده و مدنیت اسلامی و آیات قرآن نیز توجه خاصی به آن کرده است، امنیت کامل در عرصه‌های مختلف است که تا به حال تحقق نیافته است. بدیهی است تا پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام ایجاد امنیت کامل و بهینه به دست حکومت‌های دنیایی امکان‌پذیر نیست و این‌گونه آرمان‌های عالی الهی و بشری به صورت کامل، تنها در عصر حکومت مهدی علیه السلام محقق خواهد شد. البته این سخن بدان معنا نیست که حکومت‌های زمینه‌ساز در این راستا اقدامی نکنند؛ چون حرکت در این مسیر با ارائه راهبرد امنیت از ضروریات تداوم چنین حکومت‌هایی است.

در قرآن کریم که سیره امام مهدی علیه السلام بر اساس آن است، آیات فراوانی درباره اهمیت امنیت و جایگاه آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان وارد شده است. یکی از آیاتی که تحقق امنیت را از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی مؤمنان و صالحان و طرح کلی امامت معرفی کرده، این آیه است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيَكْبِدَنَّ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾. (نور: ۵۵)

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌گوید:

در نتیجه این آیه، وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می‌دهد که به زودی، جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند، می‌کند؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان و از کفار و جلوگیری‌هایشان، بیمی نداشته باشند؛ خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ۱۵۱)

تردیدى نیست که نمونه کامل حاکمیت توحید با بهره‌مندی از امنیت کامل و محیط مناسب برای عبادت که از شرک تهی باشد و خداوند به مسلمانان دارای دو صفت ایمان و عمل صالح وعده داده است، در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد. البته این آیه در حکومت مهدوی منحصر نمی‌شود.

مرحوم طبرسی در ذیل آیه می‌گوید:

از اهل بیت پیامبر علیهم السلام این حدیث نقل شده است: این آیه درباره مهدی آل محمد علیهم السلام است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۲۳۹)

در تفسیر روح المعانی از امام سجاد علیه السلام چنین نقل شده است که در تفسیر این آیه فرمود:

هم و الله شیعتنا اهل البيت، يفعل الله ذلك بهم على يدى رجل منا، و هو مهدى هذه الامة، مملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً، و هو الذى قال رسول الله صلى الله عليه و آله:  
لو لم يبق من الدنيا الا يوم... ؛ (ألوسی، ۱۴۱۵: ج ۹، ۳۹۶)

به خدا سوگند، آن‌ها شیعیان ما هستند. خداوند این کار را برای آن‌ها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که مهدی این امت است. زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد و هم اوست که پیامبر صلى الله عليه و آله در حق وی فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، ...

آیات دیگری در زمینه راهبرد امنیت در قرآن کریم وجود دارد که از مجال بحث خارج است. (نک: ابراهیم: ۳۵؛ نحل: ۱۱۲؛ اعراف: ۹۶؛ آل عمران: ۱۰۳؛ حجر: ۴۵؛ انعام: ۸۱) آنچه مسلم است، این که بشر در حیات اجتماعی خود، قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام دچار ناامنی و ظلم و بی‌عدالتی خواهد بود و این مشکلات با استقرار حکومت امام مهدی علیه السلام از بین خواهد رفت و امنیت جای ناامنی‌ها را خواهد گرفت و طبق آیه ۵۵ سوره نور، مؤمنان و صالحان، خلیفه خدا بر روی زمین خواهند شد. امام مهدی علیه السلام رسالتی را که در ادامه رسالت قرآنی انبیا و امامان معصوم علیهم السلام است، در حکومت خود به نتیجه کامل خواهد رساند. این راهبرد امنیتی در حکومت مهدوی، بر اجبار و زور متکی نیست، بلکه همراه با رضایت و پذیرش قلبی مردم است. حضرت با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق و صحیح در این عرصه، در مدت‌زمان کوتاهی، ناامنی سابق را به امنیت تبدیل می‌کند و همه مردم با رضایت و خشنودی بدان تن می‌دهند و در محیطی پر از امنیت به زندگی خود ادامه می‌دهند؛ امنیتی که بشر در هیچ روزگاری، مانند آن را ندیده است. گفتمنی است راهبرد حکومت‌های زمینه‌ساز نیز باید در همین مسیر باشد.

با این راهبرد و برنامه‌ریزی‌ها، مردم در عرصه‌های گوناگون در امنیت کامل به سر می‌برند. راه‌ها به گونه‌ای امن می‌شود که زنان جوان بدون همراه داشتن محرمی، از جایی به جای دیگر سفر می‌کنند و از هر گونه تعرض و سوء نظر در امان هستند. امنیت کامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و قضایی بر جامعه حاکم می‌شود. انسان‌ها با کمال آرامش بدون تهدیدی از جانب

دیگران زندگی می‌کنند. همه این موارد نیز در این راستاست که انسان‌ها با امنیت و آسودگی خاطر به عبادت خدای یکتا بپردازند. در این زمینه، روایات فراوانی نقل شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

... حَتَّى تَمْسِي الْمَرَّةَ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ؛ (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۱۵)

سطح امنیت به قدری بالاست که زن به تنهایی از عراق تا شام می‌رود و زنبیل بر سر دارد و هیچ درنده‌ای، او را به هیجان در نمی‌آورد و نمی‌ترساند.

... حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاةُ وَالذَّبُّ وَالْبَقَرَةُ وَالْأَسَدُ وَالْإِنْسَانُ وَالْحَيَّةُ وَحَتَّى لَا تَقْرَضَ قَارَةٌ جَرَابًا...؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۶۱)

در آن زمان، دنیا به قدری امن و امان می‌شود که گرگ و میش، گاو و شیر درنده، انسان و مار در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و همه از گزند دشمنان خویش احساس امنیت می‌کنند تا آن‌جا که هیچ موشی هیچ فرشی را نمی‌جود.

... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ...؛ (اربعی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۶۵)

در آن زمانی، قضاوت عادلانه حکم‌فرما خواهد بود؛ جور و ستم برچیده می‌شود و راه‌ها به برکت او امن و امان می‌گردد.

حَتَّى يَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ...؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۴۵)

امنیت چنان حاکم است که پیرزن ناتوان از شرق عالم خارج می‌شود و می‌خواهد به غرب عالم سفر کند و هیچ کس مانعش نمی‌شود.

وَأَلْقَى فِي تِلْكَ الزَّمَانِ الْأَمَانَةَ عَلَى الْأَرْضِ فَلَا يَضُرُّ شَيْءٌ شَيْئًا وَلَا يَخَافُ شَيْءٌ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ تَكُونُ الْهُوَامُ وَالْمَوَاشِي بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يُؤْذِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَأَنْزِعَ حُمَةً كُلَّ ذِي حُمَةٍ مِنَ الْهُوَامِ وَغَيْرِهَا وَأَذْهَبَ سَمَّ كُلِّ مَا يَلْدَغُ...؛ (همو: ۳۸۴)

[خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید:] در آن زمان، امنیت را بر روی زمین می‌افکنم و هیچ چیزی به چیز دیگر ضرر نمی‌رساند و هیچ چیزی از چیز دیگر نمی‌ترسد تا آن‌جا که حشرات و چارپایان در میان مردم حرکت می‌کنند و هیچ‌کدام به دیگری آسیب نمی‌رساند و ستم‌گزاران را می‌برم و حالت تعصب و هجمه و درندگی را از درندگان سلب می‌کنم.

حکومتی نیز که برای زمینه‌سازی حکومت مهدوی، راهبرد سیاسی و امنیت آرمانی و مطلوب حکومت مهدوی را تدوین می‌کند، باید برای رفع ناامنی و ظلم‌های حاکم بر عصر خویش گام‌های جدی بردارد.

## ۵. نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مسائل دیگر در عرصه عمومی حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور که باید با سیاست‌گذاری راهبردی بر مبنای قرآن برای حل آن گام برداشت، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. در

قرآن، نظارت همگانی بر امور اجتماعی و سیاسی مسئولان و مردم، اهمیت زیادی دارد؛ چون با اجرای صحیح راهبرد نظارت عمومی می‌توان برخی مشکلات درون حکومت را حل کرد. امروزه این پرسش‌ها فراروی زمامداران حکومت‌ها وجود دارد که محدوده امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ آیا مطلق حلال و حرام یا بعضی احکام شرع را دربر می‌گیرد؟ چه کسانی باید آن را انجام دهند؟ ناظر به همه مردم یا گروه خاصی از مردم است یا ناظر به حکومت؟ آیا در این مسئله، ید و ضرب و جرح جایگاهی دارد یا نه؟ بسیاری از معضلات اجتماعی کنونی به دلیل اجرای نادرست این مسئله یا فراموشی این وظیفه الهی است؛ چون قانون هرچند بهترین باشد، اما اگر درست اجرا نشود، هیچ مشکلی را از جامعه اسلامی حل نخواهد کرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾. (آل عمران: ۱۰۴)

با دقت در این آیه روشن می‌شود که منظور از «منکم»، جماعتی از مسلمانان است که امکان تحقق این دعوت به خیر برایشان میسر است. البته این سخن بدان معنا نیست که این مهم، وظیفه گروه خاصی است و از عهده بقیه ساقط می‌شود. اندازه این جماعت به عدد خاصی محدود نیست؛ چون گاهی همه مسلمانان را شامل می‌شود؛ گاهی به شکل فردی است که وظیفه عموم مردم است و اندازه آن به توانایی فرد، محدود است؛ گاهی هم گروهی از مسلمانان را دربر می‌گیرد که این گروه می‌تواند مستقل از حکومت اسلامی باشد یا تحت حکومت اسلامی قرار گیرد. این امر مهم هم وظیفه تک‌تک افراد جامعه است به حسب توانایی‌های آن‌ها و هم وظیفه حکومت اسلامی است. امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند در عمل فردی باشد؛ آن هم جایی که فرد از مسیر اسلام منحرف شده است و هم می‌تواند در عمل اجتماعی باشد؛ جایی که انحراف در جامعه صورت گرفته باشد. همچنین ممکن است در عمل سیاسی باشد؛ جایی که امت با حکم ظالمانه حاکم یا حاکمان روبه‌رو شود یا حاکم، بر سیره غیر عدل با مردم جامعه رفتار کرده باشد. حتی ممکن است در عمل اقتصادی باشد؛ جایی که جامعه یا حاکمان از مسیر شریعت الهی منحرف شوند. (فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۶، ۲۰۲ - ۲۰۵)

با توجه به اختلافی که در مورد «منکم» در آیه وجود دارد، به نظر می‌رسد ظاهراً «من» تبعیضیه باشد تا بیانیه. ظاهر آیه شریفه چنین می‌رساند که برخی، مأمور به امر به معروف و نهی از منکر هستند که این گروه می‌تواند نهادهای دولتی یا مردمی باشند. همچنین مراد از خیر در این جا خیر عموم است و شامل تمامی احکام حلال و حرام شرعی، مقتضیات عقلی، فطرت یا دعوت به اسلام می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر، هم جنبه فردی دارد که نظارت همگان بر حسب توانایی‌های افراد را شامل می‌شود که البته شعاع آن به انزجار قلبی و انذار لسانی محدود است و هم جنبه گروهی و جمعی که طبق آیه قرآن، امت باید در راستای این عمل الهی و حل مشکلات اجتماع کام بردارند. این امر مهم الهی در این بخش از شئون حکومت اسلامی است و شعاع وسیع‌تری دارد و امکان برخورد یدی و شدت عمل بیش‌تر در این مرحله امکان‌پذیر است. آیه مهم دیگر در این زمینه، آیه ۱۱۰ سوره آل عمران است که با فاصله چند آیه در قالب جمله خبری بیان شده است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَآمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

در این آیه، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه همگانی و عمومی مطرح شده است که هم نهادهای دولتی در قبال مردم وظیفه هدایت و راهنمایی را برعهده دارند و متقابلاً وظیفه مردم نیز نظارت بر عملکرد دولت است. دلیل تقدّم امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خداوند در این آیه به دلیل اهمیت موضوع است؛ چون مسئله ایمان به خداوند در امت اسلامی همانند امت‌های پیشین مطرح بوده است، اما آنچه در امت اسلام تازگی و برجستگی دارد، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است که روابط اجتماعی امت اسلامی را با یکدیگر تنظیم می‌کند.

آیات دیگری نیز وجود دارد که در تعیین راهبرد سیاسی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر می‌توان از آن‌ها بهره برد. (نک: آل عمران: ۱۱۴؛ اعراف: ۱۵۷؛ توبه: ۷۱ و ۱۱۲؛ حج: ۴۱؛ لقمان: ۱۷) در حکومت‌های زمینه‌ساز، با اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر و با نظارت همگانی و عمومی بر رفتار مسئولان بر مردم، مردم بر مسئولان و مردم بر مردم، معضلات ناشی از اجرا نشدن این وظیفه شرعی در جامعه، حل می‌شود و زمینه برای حکومت مهدوی فراهم خواهد آمد. به تعبیر قرآن، ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾، چنین افرادی که به خیر و امر به معروف و نهی از منکر دعوت کنند، رستگاراند. در مقابل، آنان که این فرضیه را فراموش کنند، از زیان‌کاران خواهند بود.

## ۶. شورا و مشورت با صاحبان اندیشه و خبرگان جامعه

یکی از راهبردهای اساسی مورد اهتمام قرآن که عمل نکردن برخی متصدیان امور به آن، از مشکلات جوامع مختلف امروزی است و در راستای حل مشکلات حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور می‌توان از آن بهره برد، مسئله شورا و مشورت است. قرآن به لزوم مشورت با متخصصان و خبرگان جامعه و جزم‌اندیشی نکردن مسئولان جامعه در نظر شخصی خود تأکید کرده است تا

آن‌جا که خداوند، پیامبر اکرم ﷺ را در ادارهٔ امور عامهٔ مسلمانان به مشاوره با مردم دستور می‌دهد. همان‌گونه که در آیهٔ شریفه خطاب به پیامبر اعظم ﷺ آمده است: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) به همین دلیل، پیامبر اکرم ﷺ در امور عمومی مسلمانان، جلسهٔ مشاوره تشکیل می‌داد و مخصوصاً برای رأی افراد صاحب‌نظر ارزش خاصی قائل بود. اصولاً مسئولانی که کارهای مهم خود را با مشورت متخصصان و صاحب‌نظران انجام می‌دهند، کم‌تر گرفتار لغزش می‌شوند. در مقابل، افرادی که گرفتار استبداد رأی هستند و خود را از افکار دیگران بی‌نیاز می‌دانند، غالباً گرفتار اشتباه‌های جبران‌ناپذیری می‌شوند که آثار سوء آن، دامن‌گیر خودشان و جامعه خواهد شد؛ چون یک انسان هر قدر از نظر فکری، نیرومند باشد، نمی‌تواند به تمامی ابعاد مسائل بنگرد. پس ابعاد دیگر مسئله برای او ناشناخته می‌ماند. هنگامی که مسائل در شورای طرح می‌شود و عقل‌ها و تجربه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت با هم جمع شوند، مسائل به صورت کاملاً پخته، کم‌عیب و نقص و به دور از لغزش و انحراف مطرح خواهند شد. در نتیجه، مسالمت و عطوفت در میان افراد جامعه، بیش‌تر می‌شود؛ آگاهی و بصیرت، افزایش می‌یابد و وحدت و قاطعیت در تصمیم‌گیری‌ها به دست می‌آید.

خداوند در آیهٔ دیگری از قرآن ضمن بیان ویژگی‌های مؤمنان می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾. (سوره: ۳۸)

در این آیه، مسئلهٔ شورا و مشورت در کنار ایمان به خدا و نماز قرار گرفته است که از اهمیت زیاد این مسئله در قرآن حکایت می‌کند. تعبیر به «امر» به مشورت و مراجعه به صاحبان عقل و اندیشه، تمامی امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را شامل می‌شود. در این صورت، حاکم استبداد به رأی ندارد و بصیرتش با رجوع به اهل نظر و افراد خبره زیاد می‌شود و خطای او در ادارهٔ امور جامعه کم‌تر خواهد شد.

در روایات نیز بر مشاوره تأکید بسیاری شده است. در سخنی از علی علیه السلام آمده است:

من استبد برآیه هلك و من شاور الرجال شارکها فی عقولهم؛ (شریف رضی، بی‌تا: ۵۰۰)  
کسی که استبداد به رأی داشته باشد هلاک می‌شود و کسی که با افراد بزرگ مشورت کند، در عقل آن‌ها شریک شده است.

قرآن کریم حتی در اجتماع کوچک نظام خانواده نیز دستور به مشورت داده است که اهمیت مشورت در امور را از نگاه قرآن نشان می‌دهد. پدر و مادر در باز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سالگی باید مصالح فرزند را در نظر بگیرند و با هم‌فکری و توافق و به تعبیر قرآن، تراضی و تشاور، برای برنامه‌ای تنظیم کنند. می‌فرماید:

﴿فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا﴾. (بقره: ۲۳۳)

مسئولان امر در حکومت‌های زمینه‌ساز، باید با مراجعه به کارشناسان و متخصصان متعهد در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در راستای حل مشکلات جوامع گام بردارند و از دستاوردهای دانش و اندیشه بشری در برنامه‌ریزی‌های کلان حکومت استفاده کنند. تا بدین‌جا بیش‌تر به حوزه راهبردهای سیاسی داخلی پرداختیم. در ادامه، به مواردی اشاره می‌شود که کاربرد آن‌ها بیش‌تر در حوزه راهبردهای سیاسی خارجی است.

## ۷. نفی سبیل (استقلال، عزت و حکمت)

یکی از راهبردهای دیگر که با استناد به قرآن از آن می‌توان در حوزه راهبردهای سیاسی خارجی بهره برد، مسئله نفی تسلط کفار و غیرمسلمانان بر مؤمنان است. نمود این مسئله بیش‌تر در حوزه سیاست خارجی است. از آن‌جا که انسان، موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند بدون ارتباط با دنیای خارج، نیازهای افراد جامعه خود را تأمین کند، به همکاری و روابط اجتماعی در عرصه داخلی و خارجی نیاز دارد. برخی، مراد از «رابطوا» را در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، (آل عمران: ۲۰۰) به همین معنا گرفته‌اند.

برخی نیز رابطه را در این آیه به معنای مزدداری در مفهوم جنگی می‌دانند. (نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۲۲۲؛ همو، ۱۳۷۲: ج ۲، ۹۱۸؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ج ۳، ۳۱۸)

عده‌ای دیگر هم آن را به همان معنای مزدداری گرفته، اما مزدداری را توسعه داده‌اند، بدین معنا که انسان برای هر گونه دفاع از خود، جامعه اسلامی و مرزهای اسلام آماده باشد؛ چه مرزهای فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی. (نک: فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۶، ۴۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۲۳۳)

برخی، رابطه در این آیه را به معنای تحقق ارتباط و وابسته شدن و بستگی پیدا کردن می‌دانند که شامل روابط و همکاری‌های اجتماعی می‌شود. آن‌ها برای آن مراتبی قائل شده‌اند که عبارت است از: ارتباط بین امت و امام، ارتباط بین مردم و امت و استحکام و ثبات از جهت تجهیزات و قوای لازم برای دفاع از خود و حفظ منافعشان. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۴، ۲۸) آیت‌الله طالقانی نیز این مفهوم رابطه را به سراسر احکام عبادی و اقتصادی و اجتماعی، برای ساختن مجتمع توحیدی یکسان و تبادل روابط توسعه داده است. (طالقانی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۴۶۴) همچنین علامه طباطبایی در توضیح رابطه، با توسعه مفهومش، آن را هر نوع همکاری و روابط اجتماعی در عرصه‌های مختلف می‌شمارد و «رابطوا» را به معنای ایجاد ارتباط میان نیروها و افعال جامعه می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ۹۶ - ۹۷)

در این رابطه باید مراقب بود که مسلمانان با حفظ شرط ایمان تحت سلطه کفار درنیایند. خداوند در قرآن می‌فرماید:



﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾. (نساء: ۱۴۱)

با توجه به این که نکره در سیاق نفی، افادهٔ عموم می‌کند، کلمه «سبیلا» از این قبیل است. پس مستفاد از آیه آن است که کافران از هیچ نظر بر افراد باایمان (مؤمنان)، چیره نخواهند بود. اگر در زمان‌های مختلف و در عرصه‌هایی، پیروزی غیرمسلمانان را بر مسلمانان می‌بینیم، به دلیل نبود ایمان واقعی در مسلمانان است؛ همان‌گونه که در این آیه نیز تسلط نیافتن کفار بر مؤمنان را به ایمان مشروط کرده است. پس بر مؤمنان است که با آگاهی و علم، اتحاد و اخوت اسلامی، زمینهٔ هر گونه تسلط غیرمسلمانان بر مؤمنان را در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ببندند.

البته برخی، این عدم تسلط را به آخرت تعبیر کرده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۱۴) برخی دیگر مثل علامه طباطبایی احتمال می‌دهند که این نفی سبیل اعم از دنیا و آخرت باشد؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۵، ۱۱۶) یعنی منظور این باشد که کفار نه در دنیا بر مؤمنان مسلط می‌شوند، نه در آخرت و مؤمنان به اذن خدا همیشه غالبند. البته این امر مشروط به آن است که به لوازم ایمان خود ملتزم باشند، همچنان که در جای دیگر، با صراحت چنین وعده داده است:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ (آل عمران: ۱۳۹)

و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید، که شما برترید.

در ادامهٔ آیهٔ قبل، نکتهٔ دیگری را که در رابطهٔ مسلمانان با غیرمسلمانان باید در نظر داشت، این است که مسلمانان باید از انتخاب کفار به عنوان ولایت، تکیه‌گاه و سرپرست خود خودداری کنند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾. (نساء: ۱۴۴)

در آیهٔ بعد نیز خدای متعال، ترک ولایت مؤمنان و قبول ولایت کفار را «نفاق» دانسته است، و مؤمنان را از آن بر حذر می‌دارد.

پس با توجه به «ابطوا» که هر نوع رابطه و همکاری اجتماعی را شامل می‌شد و با توجه به این آیات که تسلط و ولایت کفار بر مؤمنان را نفی می‌کند، مشخص می‌شود اصل ارتباط و همکاری اجتماعی با غیرمسلمانان بدون اشکال است. البته در این رابطه باید مراقب بود آنان بر مسلمانان تسلط و برتری نداشته باشند و آن‌ها را به عنوان ولیّ و تکیه‌گاه نپذیرند که طبق وعدهٔ قرآن، این کار هم با شرط ایمان و عمل به دستور اسلام قابل تحقق است. حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور در تعیین راهبردهای سیاسی خود در حوزهٔ سیاست خارجی و ارتباط داشتن با کشورهای غیرمسلمانان، با حفظ اصول ایمانی و توجه به نفی تسلط و ولایت کفار بر مسلمانان، می‌توانند از این آیه برای حل مسائل جامعه اسلامی استفاده کنند. اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین اساس تدوین شده است؛ چون در آن آمده است:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

از آن‌جا که انسان‌ها فطرتاً صلح‌جو هستند، حکومت زمینه‌ساز ضمن تقویت دفاعی خود باید در سیاست خارجی خود بر مبنای صلح‌طلبی رفتار کند و تا آن‌جا که بیگانگان از در خصومت وارد نشوند، با آن‌ها با مسالمت برخورد شود. خداوند در قرآن چنین می‌فرماید:

﴿وَإِنْ جُنْحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْحِ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾. (انفال: ۶۱)

حکومت زمینه‌ساز ظهور در زمینه پیمان‌ها و تعهدات با دولت‌ها و ملت‌های دیگر نیز به تعهدات و قراردادهای خود ملتزم است؛ چون پیمان‌شکنی و خلف وعده در دیدگاه اسلامی پذیرفته شده نیست و مؤمنان به رعایت پیمان‌ها امر شده‌اند:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾. (مؤمنون: ۸)

## ۸. افزایش توان دفاعی در زمینه‌های مختلف

یکی از مسائل امروز حکومت‌های زمینه‌ساز، مسئله توان دفاعی در زمینه‌های نظامی و غیرنظامی است. حکومت‌های اسلامی زمینه‌ساز با وضعیت حساسی که در برهه‌های مختلف از زمان دارند و مسئولیتی که برای خود در جامعه جهانی طراحی کرده‌اند، باید نیروی خود را در عرصه‌های مختلف تقویت کنند و با توجه به آیات قرآن راهبردی مناسب را در پیش گیرند. در قرآن کریم در این مورد به این اصل اساسی اشاره شده است که:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِبَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾؛ (انفال: ۶۰)

و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری جز ایشان را - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید.

تعبیر این آیه به قدری عمومیت دارد و بر هر عصر و زمان و مکانی منطبق است که نه‌تنها لوازم جنگی و سلاح‌های پیشرفته هر دوره‌ای را دربر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها اعم از نیروهای مادی و معنوی را شامل می‌شود که به گونه‌ای در پیروزی بر دشمنان مؤثر است.

برخی، مفهوم «قوه» را توسعه داده‌اند و معتقدند که تنها راه پیروزی و غلبه بر دشمن، به سلاح‌های جنگی اختصاص ندارد و از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که آن‌ها نیز در مفهوم «قوه» مندرج هستند و در پیروزی بر دشمن نقش بسیار مؤثری دارند، نباید غفلت کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷، ۲۲۳) برخی نیز با توسعه دادن مفهوم سلاح جنگی می‌گویند: در هر

عصری، با توجه به نیاز و ضرورت آن عصر، سلاح‌های جنگی، متفاوت است و مسلمانان باید خود را برای مقابله با دشمنان به آن‌ها مجهز کنند. این گروه، عرصه‌های جنگی را تنها به حوزه نظامی محدود نمی‌دانند، بلکه معتقدند مسلمانان باید در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، نظامی و دفاعی، نیروی خود را تقویت کنند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۱۰، ۴۰۸)

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، قرآن، شرط برتری و غلبه نداشتن کفار بر مسلمانان را ایمان می‌داند. از جمله لوازم برتری یافتن مسلمانان بر کفار و جبران عقب‌ماندگی‌های جامعه اسلامی، همین دستور قرآنی است که مسلمانان در تمامی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و دفاعی باید نیروی خود را تقویت کنند. حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور می‌توانند به خوبی از این آیه در سیاست‌گذاری دفاعی خود بهره‌گیرند و برای مقابله با دشمنان و حفظ خود و همچنین برتری بر آنان به تقویت نیروهای خود بپردازند.

### نتیجه

به نظر می‌رسد با استفاده از روشی که به‌طور فشرده مطرح شد، بتوان شیوه جدیدی از راهبردهای سیاسی را با محوریت قرآن ارائه کرد. البته این مسئله به تبیین بیش‌تر با اتکا به مطالعات گسترده در زمینه‌های مختلف حول محور قرآن نیاز دارد. در این نوشتار تلاش شد مسئله راهبردهای سیاسی با تمرکز بر قرآن کریم تبیین شود. مهم‌ترین مسئله‌ای که در این زمینه در برابر حکومت‌های زمینه‌ساز قرار دارد، چگونگی ارائه راهبردهای صحیح با مبانی اسلامی اجتماع است. برای دستیابی به پاسخی مناسب برای این مسئله، پس از بیان وجود نقص‌های جدی در این مورد و ضرورت رسیدن به سیاست‌هایی اندیشمندانه در راستای پیشرفت و تحول جوامع اسلامی و حرکت در مسیر آرمان‌های اسلامی، الگوی قرآنی در عرصه‌های مختلف ارائه شد. پذیرش تفاوت‌ها و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، عدالت، آزادی، احترام به اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها، تقویت قوای فکری و دفاعی از اموری ضروری است که حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام باید به آن‌ها توجه کنند.

۱. آقابخشى، على؛ افشارى راد، مينو، فرهنگ علوم سياسى، تهران، مركز اطلاعات و مدارك علمى ايران، ۱۳۷۴ ش.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، ج ۳، تونس، الدار التونسيه للنشر، بى تا.
۳. آلوسى، سيد محمود، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، ج ۹، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ ق.
۴. احسائى، ابن ابى جمهور، عوالى اللئالى، قم، انتشارات سيدالشهدا، ۱۴۰۵ ق.
۵. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّة فى معرفه الائمه، تبريز، بنى هاشمى، ۱۳۸۱ ق.
۶. اسنايدر، كريگ اى، امنيت و استراتژى معاصر، ترجمه: سيدحسين محمدى نجم، تهران، دانشكده فرماندهى و ستاد دوره عالی جنگ، ۱۳۸۴ ش.
۷. بيرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعى (انگليسى، فرانسه، فارسى)، ترجمه: باقر ساروخانى، تهران، كيهان، ۱۳۷۵ ش.
۸. جوادى آملی، عبدالله، تفسير موضوعى قرآن كريم، جامعه در قرآن، ج ۱۷، قم، مركز نشر اسراء، ۱۳۸۸.
۹. حرانى، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. خمينى، سيدروح الله، الرسائل، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ع)، ۱۳۶۸ ش.
۱۲. روشندل، جليل، «تحويل در مفهوم استراتژى»، مجموعه مقالات اولين سمينار بررسى تحويل مفاهيم، تهران، دفتر مطالعات سياسى و بين المللى وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۳. شريف رضى، محمد بن حسين، نهج البلاغه، قم، انتشارات دارالهجره، بى تا.
۱۴. صدوق، محمد بن على بن بابويه، كمال الدين، قم، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۹۵ ق.
۱۵. طالقانى، سيد محمود، پرتوى از قرآن، تهران، شركت سهامى انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۱۶. طباطبايى، سيدمحمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علميه، ۱۴۱۷ ق.
۱۷. طبرسى، فضل بن حسن، تفسير جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مديريت حوزه علميه قم، ۱۳۷۷ ش.
۱۸. \_\_\_\_\_، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۱۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، *التهدیب*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۲۱. \_\_\_\_\_، *الغیبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۲. فارسی، جلال‌الدین، *استراتژی ملی، گزارش سمینار*، ج ۱، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۳ش.
۲۳. فضل‌الله، سیدمحمدحسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۵. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۲۶. مطهری، مرتضی، *جاذبه و دافعه علیؑ*، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۴۹ش.
۲۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۹. منتظری، حسین‌علی، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة*، ج ۱، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغیبة*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.

31. Palit, D. K , War in the Deterrent Age, London, N. Publ., 1966 .